

تأملی در شرح احوالات

آیت الله سید علی قاضی

سیداصبری

سروش‌نامه : صابری، سینا، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور : تاملی در شرح احوالات آیت‌الله سیدعلی قاضی / سینا صابری.
مشخصات نشر : مشهد: آرسس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص. ۹/۵×۱۹ س.م.
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال ۲-۲۰-۸۴۹۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : قاضی، سیدعلی، ۱۲۸۲ - ۱۳۶۶ ق.
موضوع : مجتهدان و علما — ایران — سرگذشتنامه
موضوع : 'Ulama — Iran — Biography'
رده بندی کنگره : ۳/۵۵BP / ۲ ص ۱۳۹۶۲
ردیف : ۸۹۹/۷۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۸۴۷۳۰

تاملی در شرح احوالات آیت الله سید علی قاضی

نگارش: سینا صابری

طراحی جلد: حمیدرضا رضوانی اول

شمارگان چاپ: ۳۰۰ نسخه

چاپ، صحافی: چاپ دقت

نشر: انتشارات آرسس

شابک: ۲-۲۰-۸۴۹۷-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

مشهد، بین معلم ۵۹ و ۶۱، پلاک ۱۲۳، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۹۱۵۵۰۲۱۳۷۵ - ۳۸۶۲۴۲۰۹

مقدمه

انسانها همواره به این طریق روزگار خود را سپری کرده اند که دیگران را به قیاس با نفس خویش و از منظر خود سنجیده و به مدح و ذم آنها پرداخته اند و همین سببی خواهد بود که در هنگام مدح، آن چنان پر و بالی به حیات زندگانی این شخص خواهند زد که بسیاری از جنبه های بشری وی را فراموش می کنند و بعد باز این خود سببی بجهت اسطوره سازی و دست نیافتنی شدن خواهد شد و این امر متأسفانه در سراسر جوامع بشری مشرب تابه شرق جاری و ساری است که این خود، انسان را از قضاوت صحیح و این کلام الهی دور خواهد کرد - الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَحْبَدُوا وَأَتَوْا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ - کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند ، بشارت از آن آنهاست پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان الهی شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده ، و آنها خردمندانند. (الزمر/۱۷و۱۸) بنابراین در این مجموعه ی کوتاه تاملی خواهیم نمود در شرح احوالات یکی از برجسته ترین شخصیت های علمی و فرهنگی تاریخ معاصر یعنی آیت الله سید علی قاضی که از زبان دیگران نقل شده است تا ببینیم کلامی که در ابتدا ذکر نمودیم به چه میزان صحیح و قابل بررسی خواهد بود انشا الله.

سرآغاز سخن اینکه در حدود سالهای ۱۲۸۲ هـ.ق در شهر تبریز صدای کودکی را به گوش تاریخ شنیده ایم که وی در خانواده ای روحانی دیده به جهان می گشاید و پس از طی مراحل اولیه زندگی در شهر تبریز، عزم بر ترک وطن و زیارت مرقد حضرت ولی ابن ابی طالب - علیه السلام - را می گیرد و در آن شهر محل اقامت انداخته و در نهایت در سال ۱۳۶۶ هـ.ق در آن شهر وفات می کند. اما نکته ای که در سراسر زندگانی ایشان وجود دارد، آن سیر معنوی انسان سازی است که به آن عرفان گفته می شود. بعین این است که آیت الله قاضی هرچند که به عنوان یک عالم دینی نیز عالی مقام و هایت داشته است اما این خود امری نیست که چندان توجهی را در زندگانی ایشان به اذهان سایرین جلب کند چراکه از چگونگی مسائل معنوی علمی ایشان، مطالب چشم گیری در دست نیست و اکثر افراد دیگر که سیر عملی معنوی ایشان است سخنان بسیاری را بر زبان شاگردان، فرزندان و سایرین از ارادتمندان ایشان، خوانده و شنیده ایم ولی چنانکه در مقدمه ی این مجموعه ذکر کردیم، گاهی نسیان و فراموشی و بیانات خاطراتی از اشخاص آن چنان بالا می گیرد و به اذهان چنان خطور می کند که فراموش می کنیم این شخص انسان است؛ می خوابد، می نوشد، ممکن است به خطا رود و سایر امور انسانی و خب هرچه ذکر و خاطره و محبت، نسبت به آن شخص بیشتر شود در مقابل آن، مسائلی که بتواند ظن و گمان شنودگان این خاطره ها را نسبت به غلط و اشتباه بودن آنها افزایش دهد نیز بیشتر خواهد شد چراکه در بسیاری از مسائل، هرکسی از ظن خود و به قیاس با نفس خویش است که مطلبی و خاطره ای را

بیان می کند غافل از اینکه سایرین نیز چنین کرده اند و راه به ناکجا آباد خواهد رسید و هر چه دیگران خواستند با خاطرات خود مقام ایشان را بزرگ جلوه دهند، دیگران دیگری با خاطرات دیگر خود، آن مقام را پایین آوردند. غرض اینکه با مطالعه ی شرح احوالات آیت الله قاضی به نکاتی برخورد می کنیم که با یکدیگر سازش نداشته و این عدم سازش یا از خود ایشان بلا واسطه اخذ می شود مانند اینکه در جایی مطلبی را بیان کنند و در جایی دیگر آن را انقض نمایند یا عدم سازش با واسطه یعنی آنچه که از زندگی ایشان نقل شده است به وجود می آید. بنابراین در ادامه سعی می شود به برخی از این امور اشاره شود تا در آینده در هنگام مطالعه ی زندگی سایرین از بزرگان به این امور دقت شود که لا اقل از اسطوره سازی و دست نیافتنی نشان دادن بسیاری از مطالب پرهیز شود و خواننده ی زیرک، می داند که بسیاری از این اسطوره سازیهایی که در تاریخ و خصوصاً امور دینی اتفاق افتاده است، عاملی بجهت ساخت تفکرات حدیثه ای شده که روز به روز شاهد فاصله گرفتن این نوع تفکرات از حقیقت الهی خواهیم بود.

اما آنچه را که وعده داده بودیم به این صورت ادامه خواهیم داد که در رابطه با آیت الله قاضی به این علت که استاد اخلاق برخی از مشاهیر تاریخ معاصر بوده اند سخنان بسیاری ذکر و ثبت شده است و چنان که گفتیم در برخی از آنها سازش میان یکدیگر تحقق نیافته و این عدم سازش را با این هدف ذکر خواهیم نمود که هرچند این مسائل متناقض کم باشد اما کمکی است تا از

ساخت اسطوره و موجودی مافوق انسان جلوگیری نماییم به این شکل که مشاهده کنیم آنچه را که تا کنون بدون دقت و از روی احساسات شنیده یا خوانده ایم می تواند اشتباه باشد و در جمع بندی تفکراتمان تجدید نظر نماییم آن هم در شرح احوالاتی که از زمان آغاز حیات تا لحظه وفات اختلاف وجود دارد.

"بنده خود آیت الله قاضی در این باره به سید هاشم می گوید:

"من به تو و همه شماهایی که می آیید اینجا می گویم

من هر کسی هستم مثل شما، از کجا معلوم شما چند نفر

در باره من سرالغہ نمی کنید!" (۱)

و اگر کسی بدوید که ایراد باب تواضع و یا ظاهر است چنانکه

برخی توهّم نموده اند، خواه می گفت که در شرح احوالات ایشان

موضوعاتی ذکر شده است که بی اثر افتاده شما نیست همچون:

۱. "مرحوم قاضی در بعضی حالات از حد معمول پا را

فراتر می نهاد و ترک احتیاط می کرد، و مکنونات خود را

صریحا بیان می کرد اما این به صورت تصادفا بر

زبانش جاری می شد... بعضی اوقات که وجد بر او غلبه

می کرد باید خیلی اشاره به ایشان می شد تا ملتفت

شود." (۲)

۲. "یک بار یادم هست ما در کوفه بودیم که خبر آوردند

آقا صدا کرده بچه ها بروند منزل، ما رفتیم خانه و ایشان

فرمودند: دیوارها را پاک کنید... گویا شب یا طرف های صبح ایشان به وجد آمده بودند و یا احوالاتی بر ایشان غلبه کرده بود و اشعاری را با زغال روی دیوارها نوشته بودند." (۱)

۳. "آقای قاضی خودشان می گفتند: من عصبانی می شوم یک چیزهایی می گویم بعد می آیم می نشینم می گویم: خدایا من این حرف ها را نگفته ام... من این حرف ها را هوایی زدم ها!" (۲)

۱.... "ما به خانواده اش گفت: من تمام نجف را زیر و رو کرده چیرم، و رکنم نشد..." (۳)

و باز اگر کسی گوید که بن مصادیقی که در اینجا ذکر کردی، مربوط به سالهای قبل از رسیدن ایشان به انتهای سلوک است خواهیم گفت که این گمان شما ناشی از این می باشد که در شرح احوالات ایشان دقت نکرده اید که بن برخی از مواردی که ذکر کردیم، تاریخ و قیدی بیان نشده است و بن عام و حدود تاریخ و قید را حمل بر هر زمانی می توان نمود و اصل این است که این مصادیق مذکور هنگامی که یک بار اتفاق می افتد در آینده نیز می تواند استمرار داشته باشد.

و اگر دوباره شخصی بگوید که ما از ترتیب مراحل سلوکی متوجه خواهیم شد که برخی حالات مربوط به قبل از مرحله نهایی است ، خواهیم گفت که ترتیب مراحل سلوکی شما فاقد هرگونه پشتوانه صحیح علمی و عملی است که با توجه به اینکه موضوع این کتاب امور دیگری است ، انشا الله در جای دیگر به آنها خواهیم پرداخت.